

## خطیبان مشهور

### دو تن از نجیبان خطابه

خلیل صنعتگر

پیش گفتار

از قدیم الایام دو روش مهم تبلیغی وجود داشته است: ۱. زبان خطابه‌ای، ۲. زبان شعری. هر کدام از این دو، موقعیتی ویژه در میان ملل و اقوام داشته‌اند. گاهی یک بیت شعر، شعله‌ای از آتش خشم به جان عده‌ای افکنده و باعث سال‌ها جنگ و خونریزی شده است و گاهی سخن حساب شده و سنجیده و از عمق جان برخاسته‌ای طوفانی را مهار کرده است. این مقاله نگاهی گذرا بر دو تن از خطیبان تاریخ اسلام است.

اولین سخنور و خطیب

در همه دوران‌های عربی و اسلامی و بلکه تاریخ بشری، هیچ کسی در بلاغت سخن منزلت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را نداشته است. کلام او تمامی امتیازات پراج سخنوری را دارد.

نهج البلاغه شاهکار علم و ادب و فصاحت و بلاغت است، در حالی که کلام برای حضرت وسیله است نه هدف. آن حضرت می‌خواستند انسان‌ها را

حمدانیان به خصوص در سالهای ۳۱۵ق تا ۳۶۰ق جنگ‌های متوالی و مدافعات مستمر با رومیان که به طمع اشغال شام و بیت المقدس به منطقه حکومت آن‌ها حمله‌ور می‌شدند و به کشتار و تخریب سرزمینهای اسلامی می‌پرداختند، داشتند.

ابن نباته با ایراد خطبه‌های شورانگیز خویش موسوم به خطبه «جهادیه» مردم را برای یاری سیف الدوله حاکم قدرت‌مند شیعی مذهب حمدانی تشویق می‌نمود. او همیشه همراه سیف‌الدوله بود و از آن جا که سیف الدوله اکثراً در جنگ و جهاد با رومیان بود، ابن نباته خطبه‌های زیادی ایراد کرد. مردم نیز شیفته خطبه‌هایش بودند. به خصوص که علاوه بر استفاده از کلمات زیبای نهج‌البلاغه سخنانش را با آیات قرآن زیباتر می‌کرد. آیات قرآن جای ویژه‌ای در سخنان او داشت.<sup>۱</sup>

سخنان و خطبه‌های او به سه بخش تقسیم شده است. ۱ - ستایش خداوند سبحان؛ ۲ - نعت رسول مکرم اسلام ﷺ و ترغیب به ترس از خدا؛ ۳ - رعایت دستورات اخلاقی و دینی، به ویژه جهاد.

#### شدت علاقه ابن نباته به حضرت علی علیه السلام

در روز جمعه‌ای در نماز جمعه خطبه‌ای ایراد نمود به نام «خطبه منام». به هنگام شب، حضرت علی علیه السلام را در خواب دید که او را «خطیب الخطبا» نامید و حتی دهان ابن نباته را با آب دهانش متبرک نمود. این رؤیا آن قدر در او تأثیر گذاشت و او را منقلب کرد که تا ۱۸ روز لب به طعام و نوشیدنی نگشود و در پی آن از شوق درگذشت.<sup>۲</sup>

لذا به طور غیرمستقیم بلکه مستقیماً تایید شده بزرگ سخنور تاریخ علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد.

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کلام ابن نباته.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی و تاریخ ذہبی اسلام، ج ۲۶، وقایع سالهای ۳۵۱ تا ۳۸۰.

هدایت کنند نه این که هنرنمایی کنند. اگر هدف حضرت خلق یک اثر هنری بود  
حتماً زلزله بزرگتر و عجیب‌تری ایجاد می‌کرد.  
مرحوم شهید مطهری می‌فرماید:

«میخائیل نصیحه» نویسنده لبتانی در مقدمه کتاب جرح  
جرداق گوید:

«علی علیه السلام تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا  
قهرمان بود. در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز  
بیان، انسانیت واقعی... او در همه میدان‌ها قهرمان بود»<sup>۱</sup>

به گفته جاحظ، ابن عباس که خود سخنوری برجسته بود، در مقابل حضرت  
علی علیه السلام زانو می‌زد و کلام آن حضرت را می‌شنید. تمامی کسانی که اهل سخن  
بوده و هستند با شنیدن و خواندن کلمات علی علیه السلام مسحور می‌شوند. سخنان  
حضرت آن چنان عظمتی دارد که گاهی از شنیدنش به گریه می‌افتادند و چه بسا  
قالب تهی می‌کردند.

وقتی حضرتش خطبه معروف الغراء را القا فرمود، بدن‌ها لرزید و اشک‌ها  
جاری شد و دل‌ها به تپش افتاد.<sup>۲</sup> همام بعد از شنیدن صد صفت از صفات  
متقین در بیان حضرت علیه السلام خشکید و به زمین افتاد. و جان به جان آفرین تسلیم کرد!

اعتراف سخنوران بر عظمت سخنان حضرت امیر علیه السلام

ابن مقفع دانشمند و نویسنده عرب می‌گوید:

هفتاد خطبه از خطبه‌هایش را حفظ کردم پس از آن ذهنم  
جوشید که جوشید.<sup>۳</sup>

ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید:

به حق، سخن علی را از سخن خالق فروتر و از سخن

۱. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۰.

۲. شهید مطهری سیری در نهج البلاغه نقل از مرحوم سید رضی (ره)، ص ۹.

۳. همان ص ۱۱ - ۱۲ - ۱۶.

مخلوق فراتر خوانده‌اند.<sup>۱</sup>

او در جلد چهارم کتابش پس از شرح نامه امام علیه السلام به عبدالله بن عباس گوید:<sup>۲</sup>  
 فصاحت را ببین که چگونه افسار به دست این مرد داده و  
 مهار خود را به او سپرده است. نظم عجیب الفاظ را تماشا  
 کن... مانند چشمه‌ای که خود به خود بدون مزاحمت  
 می‌جوشد. سبحان الله... علی علیه السلام مافوق بشر است.

شیخ محمد عبده در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه گوید:

در همه مردم عرب زبان یک نفر نیست، مگر آن که معتقد  
 است، سخن علی علیه السلام بعد از قرآن و کلام نبوی، شریف‌ترین و  
 بلیغ‌ترین و پر معناترین و جامع‌ترین سخنان است.<sup>۳</sup>

طه حسین، ادیب و نویسنده مصری در کتابش، داستان مردی را نقل می‌کند  
 که در جریان جنگ جمل دچار تردید می‌شود. آن مرد با خود می‌گوید: چطور  
 ممکن است شخصیت‌هایی مثل طلحه و زبیر بر خطا باشند؟! پس درد دل خود  
 را با علی علیه السلام در میان می‌گذارد. حضرت به او می‌فرماید:

«انك ملبوس عليك. ان الحق و الباطل لا يعرفان باقدار

الرجال. اعرف الحق تعرف اهله، و اعرف الباطل تعرف اهله».<sup>۴</sup>

طه حسین سپس می‌گوید:

«من پس از وحی و سخن بالا، جوابی پر جلال‌تر و شیواتر از این جواب

ندیده و نمی‌شناسم».<sup>۵</sup>

### نخبگان خطابه

خطبه و خطابه از روش‌های تبلیغی در طول تاریخ اسلام است و معرفی

۱. همان ص ۱۱-۱۲-۱۶.

۲. همان ص ۱۱-۱۲-۱۶.

۳. همان مصدر، ص ۱۸.

۴. همان مصدر، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۱۹.

خطبای یک شهر از شهرهای اسلامی نیازمند مجلداتی است، ناچار باید به برجستگان اکتفا کرد آن هم برجستگان مورد تایید بزرگ مردان دین.

### صعصعة بن صوحان عبدی

او از برجسته ترین یاران و شاگردان حضرت علی علیه السلام بود و همواره در همه جا در کنار حضرت علی علیه السلام بود.

امام صادق علیه السلام در شأن و مقام و منزلت او فرموده اند:

«ما كان مع امير المؤمنين عليه السلام من يعرف حقه الا صعصعة واصحابه وله مسجد بالكوفة معروف»<sup>۱</sup>

مرحوم شهید مطهری در پاورقی کتابش آورده است:

وی از اکابر اصحاب امیرالمؤمنین و از خطبای معروف است. او جزء معدود افرادی است که در شب وفات حضرت امیر علیه السلام در تشییع جنازه آن حضرت شرکت کرد و پس از تدفین، کنار قبر حضرتش ایستاد. یک دست روی قلب متهیج و پر تپش خود گذاشت و با دست دیگر مثنی از خاک برداشت و بر سر ریخت و خطابه ای پر شور و هیجان در جمع خاندان و یاران خاص حضرت ایراد کرد.<sup>۲</sup>

او از شجاعان لشکر امام و یاوران مخلص حضرتش بود.

صعصعه به حدی بلیغ و فصیح بود که گاهی حضرت علی علیه السلام به سخنوری او توجه خاص می فرمود.

جاحظ در کتاب البیان گوید:

از هر دلیلی بالاتر بر سخنوری او این که علی علیه السلام گاهی می نشست و از او می خواست سخنوری کند.<sup>۳</sup>

هنگامی که امام علی علیه السلام به خلافت رسید و در مسجد مدینه بر بیعت آن

۱. مجمع البحرين طریحی، ج ۲، ص ۳۵۹. در مفاتیح الجنان نام و محل مسجد و اعمال آن آمده است.

۲. سیری در نهج البلاغه، ص ۱۴.

۳. سیری در نهج البلاغه، ص ۱۴.

حضرت اجتماع شد، صعصعه بعد از بیعت در جملاتی کوتاه و زیبا و پر ارزش گفت:

والله زينت الخلافة و ما زانتك رفعتها و ما رفعتك وهي اليك  
احوج منك اليها.

به خدا قسم تو خلافت را آراستی و آن تو را نیاراست، تو مقام آن را  
بالا بردی نه آن مقام تو را و آن به تو نیازمندتر است تا تو به آن.  
و از همه این نکات بالاتر، امام به صراحت او را خطیب خطاب می فرمود:  
هذا الخطيب الشخشيخ: این خطبه خوان ماهر و زیرک است.  
سید رضی درباره شخشیخ گوید:

شخص ماهر و زیرک و استاد در خطبه خواندن و توانای در آدای  
سخن رسا را گفته است، و هر تندگذر در سخن و رفتار را شخشیخ گویند.  
ابن ابی الحدید گوید:

صعصعه را فخر و سرافرازی همین بس که مانند علی بن  
ابی طالب عليه السلام او را به مهارت، استادی و فصاحت زبان و  
توانایی بر سخن بستاید.<sup>۱</sup>

عقیل بن ابی طالب آن جا که معاویه از صعصعه سؤال می کند گوید:  
اما صعصعه: فعظيم الشأن عَضْبُ اللسان، قائد فرسان، قاتل اقران يرتق ما فتق  
و يفتق ما رتق قليل النظير.<sup>۲</sup>

صعصعه منزلتی والا دارد. زبانی دارد مثل شمشیر برنده و فرمانده شیران  
شجاع و کشنده شجاعان مهارکننده شکافها و شکافنده قفلها است. او کم  
نظیر است.

این خطیب کم نظیر، از بدو تسلیم در مقابل دین اسلام تا سال شصت هجری  
از ولایت و دین با زبان و شمشیر دفاع کرد و در راه هدف از مولایش علی عليه السلام  
جدا نشد، مگر مواقعی که او را تبعید و از مدینه دورش کردند و حتی در تبعید  
مدافعی سر سخت برای علی عليه السلام بود.

۱. همان مصدر.

۲. مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۷. مخاریق کلام، سخنوران برجسته.

## احتجاجات و سخنوری های صعصعه

اینک به بیان نکته‌هایی از این مبلغ و خطیب وارسته می‌پردازیم:

۱. هنگامی که عثمان او را با عده‌ای به شام تبعید نمود، معاویه برای محک زدن آنان جلساتی با آنها داشت و گاهی برتری‌های خودش را مطرح می‌کرد، روزی گفت:

قریش دریافت که ابوسفیان بهترین آنها و پسر بهترین آنها است، مگر آن چه خداوند برای پیامبرش محمد ﷺ قرار داده، زیرا او انتخاب شده خداوند است. اگر ابوسفیان پدر تمامی انسان‌ها بود، همه انسان‌ها حلیم و بردبار بودند.

در این هنگام خطیب شجاع صعصعه برخاست و گفت: دروغ گفتی. بهتر از ابوسفیان را خدا آورده است. کسی که خداوند او را به دست خود خلق کرد و روح بر او دمید و به ملائکه فرمود سجده‌اش کنید و در بین فرزندان او خوب و بد و زیرک و احمق وجود دارد.<sup>۱</sup>

۲. گروهی از مردم عراق بر معاویه وارد شدند. معاویه گفت: آفرین بر شما مردم عراق به سرزمین مقدسی گام نهادید. زمینی که حشر و نشر در آن است و نزد برترین امیر آمدید.

صعصعه از میان برخاست و پس از حمد خداوند و درود بر رسولش<sup>۹</sup> گفت: معاویه! این که گفتی سرزمین مقدس، سوگند به جانم که سرزمین باعث تقدس افراد نمی‌شود و اعمال است که موجب ارزش است. و حشر و نشر نیز مربوط به اعمال است. اما این که خود را برترین امیر دانستی، برترین امیر حضرت آدم ﷺ است. دیگران دسته‌ای نیک و برخی سفیه و احمق و برخی عالم یا جاهل هستند.

معاویه برآشفست و گفت:

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۰.

به خدا قسم ترا خوار و فراری شهرها خواهم ساخت.

صعصعه گفت:

«والله إنَّ في الأرض لَسَعَةً وَإِنَّ في فراقك لَدَغَةً» به خدا قسم

سرزمین خدا وسیع و دوری از تو راحتی است.

معاویه گفت: سهمت را قطع می‌کنم.

صعصعه گفت:

«إِنَّ كانَ ذالِكَ بیدك فافعل، إِنَّ العطاء و فضایل النعماء فی

ملكوت من لا تنفد خزائنه ولا یبید عطاء».

معاویه گفت: با این حرف‌ها خودت را به کشتن دادی.

صعصعه گفت:

لا تقتل النفس التي حرم الله الا بالحق. و من قتل مظلوماً كان

الله لقاتله مقيماً یرهقه الیماً و یجرعه حمیماً و یصلیه جحیماً.<sup>۱</sup>

در این هنگام معاویه به عمرو عاص گفت تو با او سخن بگو:

عمرو عاص گفت: چه چیزی تو را بر سلطنت شورانیده؟

صعصعه گفت: وای بر تو؛ ای پناه‌گاه فراریان فاسد و دشمن خیرخواهان.

۳. در مورد دیگری به معاویه گفت:

«انما انت طلیق ابن طلیق اطلقکما رسول الله فأنی تصلح

الخلافة للطلق».<sup>۲</sup>

تو آزاد شده فرزند آزاد شده‌ای. شما را پیامبر آزاد کرد. بندگان آزاد شده

شایسته خلافت نیستند.

۴. در یکی از اوقات که صعصعه سخنرانی می‌کرد، عثمان بن عفان گفت:

ایها الناس إن هذا البجباغ النفاح ما یدری من الله ولا این الله!

صعصعه گفت:

اما قولک: ما ادری من الله. فان الله رینا رب آباؤنا الاولین اما قولک: لا ادری این

الله. فان الله لبالمرصاد.

۱. الفدیور، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۱۷۵.



سپس قرائت کرد:

اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ان الله على نصرهم لقدير.<sup>۱</sup>

و مسعودی می گوید:

برای صعصعه اخباری نیکو و کلامی در نهایت فصاحت و

بلاغت و ایضاح معانی و ایجاز و اختصار است.<sup>۲</sup>

و با ابن عباس مصاحبه مفصلی دارد که در آخر ابن عباس گوید: انت یا بن

صوحان باقر علم العرب.<sup>۳</sup>

ابویحیی عبدالرحیم بن محمد بن محمد بن اسماعیل ابن نباته

معروف به «ابن نباته» متوفی ۳۷۴ خطیب برجسته قرن چهارم هجری و

سخنور حاکم بزرگ شیعه (سیف الدوله) و از خاندان بنی حمدان، در حلب بین

سال های ۳۱۵ تا ۳۵۶ است.

او به طور غیر مستقیم شاگرد مکتب حضرت علی علیه السلام بود. خطبه هایش را از

خطبه های حضرت اخذ می کرد و سخنش را با نام حضرت آغاز می کرد.

عبدالرحیم ابن نباته، ضرب المثل خطبای عرب در دوره اسلامی است

سرمایه فکری و ذوقی خود را از علی علیه السلام می داند.

ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه از قول او می آورد:

«صد فصل از سخنان علی را حفظ کردم و به خاطر سپردم

و همان ها برای من گنجی پایان ناپذیر بود».<sup>۴</sup>

ابن نباته در خطبه هایش که بیشتر در مورد جهاد بود و به خطبه های «جهادیه»

معروف اند از کلمات و جملات حضرت امیر علیه السلام استفاده می کرد از جمله:

«ایها الناس، الی کم تسمعون الذکر فلا تعون، و الی کم

تقرعون بالزجر فلا تعلقون کأن اسماعکم تمج و دافع الوعظ...

۱. الغدير، ج ۹، ص ۱۴۷.

۲. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۳، ص ۴۶.

۳. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۳، ص ۴۶.

۴. سیری در نهج البلاغه شهید مطهری، ص ۱۱۰.

### فالجهد و الجهاد أيها الموقنون، و الظفر الظفر ايها الصابرون.<sup>۱</sup>

غالب تمثیل های ابن ابی الحدید در خطبه ها و نکاتش از ابن نباته است او در جلد هفتم موازنه ای بین کلام مولی علی علیه السلام و ابن نباته دارد و در مقدمه می گوید: ما در این جا قُصُولی از خطبه های خطیب فاضل عبدالرحیم بن نباته رحمه الله کسی که به بالاترین درجه در سخن و سخنوری رسید و مردم علاقه و شوق عظیمی به کلام و سخن او داشتند و کلامش در همه جا زبانزد نیکویی بود، را می آوریم، بعد نمونه ای را ذکر می کند.

ایها الناس تجهزوا فقد ضرب فيکم بوق الرحیل، و ابرزوا فقد قربت لکم نوق التحویل الخ.<sup>۲</sup>

این مقایسه را ابن ابی الحدید آورده تا نظریه کسانی که کلام ابن نباته را مساوی سخنان دُرر بار حضرت علی علیه السلام می دانند رد کند، لذا می گوید:

بدانید که ما منکر فضل ابن نباته و نیکویی اکثر خطبه هایش نیستیم و لکن عده ای از مردم اهل عناد و عصبیت جاهلی، گمان دارند که کلام ابن نباته مساوی کلمات علی علیه السلام است. در حالی که بین کلمات امام علی علیه السلام و ابن نباته هیچ تشابهی نیست. آن در اوج عظمت و این در حسیض کوچکی.<sup>۳</sup> اگر چه در عصر خودش تنها سخنور نکته دان بوده است.

در هر صورت او خودش را وامدار مکتب علی علیه السلام و شاگرد شاگرد علی علیه السلام می دانسته و به دفاع از مکتب علی علیه السلام سخنوری می کرده است.

### زندگانی ابن نباته

او عبدالرحیم پسر محمد بن محمد بن اسماعیل ظاهراً از نوادگان اصبع بن نباته، متولد ۳۲۵ ق و متوفی ۳۷۴ ق و خطیب نام آور روزگار حمدانیان است.

۱. شرح نهج البلاغه ابی الحدید، ج ۲، ص ۸۰.

۲. شرح نهج البلاغه ابی الحدید، ج ۷، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۲۱۶.